

تاریخ مطبوعات کرمان

در دوره پهلوی اول

مولفان: آنا کریم زاده ، زهرا گلستانی محسنی



سرشناسه	: کریم زاده آنا، ۱۳۶۸ -
شناسه افزوده	: گلستانی، زهرا، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: مطبوعات کرمان در دوره پهلوی اول / مولفان: آنا کریم زاده، زهرا گلستانی، حنکی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات آموزش برتر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۹ص.: مصور، جدول
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۶-۲۳-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
دداشت	: کتابنامه: ص. ۱۲۲-۱۳۶، همچنین به صورت زیر نویس
موضوع	: نشریات ادواری فارسی - ایران - کرمان
موضوع	: Persian periodicals - Iran -- kerman
موضوع	: کرمان - تاریخ - قرن ۱۴
موضوع	: Kerman(iran) - history - 20 th century
رده بندی دهکده	: ۱۳۹۶ م۶/۵۴۷۳۳
رده بندی دیوید	: ۰۷۹/۵۵۷۳۳
شماره کتابشناختی	: ۴۷۶۳۰۶۶

تاریخ مطبوعات کرمان / دوره پهلوی اول

مولف: آنا کریم زاده، زهرا گلستانی، حنکی

ویراستار: آنا کریم زاده

ناشر: انتشارات آموزش برتر

قطع: وزیری

شماره: ۱۰۰ نسخه

نوت چاپ: اول ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۶۵۶ - ۲۴ - ۱

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

آدرس: تهران میدان انقلاب ضلع غربی خیابان کارگر جنوبی پلاک ۹۱۶ طبقه دوم

تلفن: ۰۲۱۶۶۱۲۹۸۶۲-۰۹۱۹۲۵۷۵۰۴۴

فهرست مطالب

مقدمه ۶

فصل اول: مطبوعات کرمان از مشروطه تا پایان قاجار (۱۲۸۵ - ۱۳۲۰)

رامد ۱۷

اعتبار ۲۵

جریا کرمان ۲۸

درات جنوب ۳۱

دارالامان ۳۴

کرمان ۳۸

دهقان ۴۰

شهاب ثاقب ۴۸

فصل دوم: مطبوعات کرمان

ادب ۵۱

همای ۵۲

نامه فرهنگ ۵۳

بیداری ۷

استقامت ۶۴

ندای کرمان ۶۸

آینه جنوب ۷۰

صدای کرمان ۷۴

۷۶.....	رهبر.....
۷۶.....	ذکر حقایق.....
۷۹.....	پندار.....
۸۲.....	نگارستان.....
۸۳.....	آفتاب شرق.....

فصل سوم: سیر تاریخی مطبوعات کرمان (۱۲۸۵-۱۳۲۰ ه. ش)

۸۹.....	مشروطه.....
۱۰۰.....	میرزا رضا شاه و استبداد صغیر.....
۱۰۳.....	جنگ جهانی اول.....

فصل چهارم: مطبوعات کرمان در زمان رضاشاه

۱۱۲.....	رضاشاه.....
۱۲۳.....	مذهب و اقلیت های ماهی.....
۱۲۵.....	زن در مطبوعات کرمان.....
۱۳۳.....	امور فرهنگی و اجتماعی.....
۱۳۵.....	نثر و ادبیات.....
۱۳۶.....	کتابنامه.....
۱۴۱.....	ضمیمه.....

مقدمه

به نام خدا

در تاریخ معاصر ایران، خیزش موج مشروطه‌خواهی و تجددطلبی، سبب‌ساز رونق روزنامه‌هایی شد که از زمان ناصری در ایران و یا خارج از ایران به زبان فارسی چاپ می‌شدند. در سال‌هایی که به پیروزی انقلاب مشروطه منجر شد و مهرموی پای پس‌از آن، تأسیس دفاتر روزنامه روند رو به رشدی یافت و این امر تنها منحصر به تهران نبود و در دیگر شهرها نیز شمار روزنامه‌های چاپ‌شده افزایش پیدا کرد و یا برای نخستین بار روزنامه‌ای منتشر شد.

"روزنامه" با توجه به این که از عوامل اساسی آگاهی جامعه آن روزگار بود آینه تمام‌نمای رفتار اجتماعی و سیاسی مردم، توجهات و سلیق و دغدغه‌های آن‌ها نیز به شمار می‌رود. روزنامه عنصری است که مستقیماً با خود مردم سروکار دارد. چه روزنامه دولتی باشد چه نباشد مخاطب آن مردم است و برای مطالعات تاریخ اجتماعی بسیار مفید و همچنین مستند هست. روزنامه‌نگاری در حقیقت نوعی نوشتن تاریخ است.

یک نشریه را می‌توان از ابعاد گوناگونی مورد مطالعه قرارداد. از جهت تحلیل محتوای مطالب، وضعیت نشر و کیفیات مربوط به آن، شکل و قالب و ادبیات نشریه،

روزنامه‌نگاران و سوگیری‌های سیاسی و مذهبی آن‌ها و تأثیرپذیری مطبوعات از وقایع تاریخی معاصر ایشان.

در تهران با مرکزیت سیاسی، روزنامه‌های زیادی به طبع می‌رسید، همچنین در شهرهایی چون تبریز، مشهد، اصفهان و رشت. اما از دیگر شهرهایی که در دوره مورد بحث شخصیت‌های بارزی در ساحت سیاست و اندیشه و البته روزنامه‌نگاری داشت، کرمان بود. کرمان از شهرهایی به شمار می‌رفت که در زمان انقلاب مشروطه شاهد حوادث مهمی بود و از مهم‌ترین شهرهای جنوبی و پس‌کرانه‌های خلیج فارس به حساب می‌آمده است. در منابع نشریات آن می‌توان به سوا لاتی درباره اوضاع سیاسی، انتخابات، احزاب، سیاست‌ها، انگلستان، اتحاد ملی؛ اوضاع اجتماعی مردم، اصلاحات، اوضاع سیاست‌های جهانی در کرمان و جنوب کشور و پیامدهای آن، فقر و قحطی، بیماری، راه‌ها، مراکز اجتماعی و کارهای آنها، نحوه اجرای قوانین در ولایات، تأسیس مدارس و... پاسخ داد.

علاوه بر آنچه می‌توان از محتوای مطبوعات دریافت، سنانیت و معیت خود نشریات است. اینکه چه تعداد نشریه و با چه کیفیتی و شکل و قالبی، به چاپ می‌رسیده؛ طول انتشار و صفحه اول و کلیشه، مرامنامه، مصور و یا غیر مصور بودن آن‌ها و... به چه ترتیبی بوده است. روزنامه‌نگاران کرمان چه کسانی بوده و اساساً با

چه انگیزه‌ای اقدام به انتشار روزنامه کرده‌اند. جهت‌گیری‌های حزبی و مذهبی آن‌ها به چه صورت بوده است.

گونه دیگر پرداخت به مطبوعات، شناخت یک نشریه با توجه به رخدادهای تاریخی زمان انتشار آن است. هر برهه تاریخی می‌تواند چه تأثیری بر مطبوعات داشته باشد. در دوره موردبحث، حوادث تاریخی متعدد و بسیار مهمی رخ داد. مشروطه، استبداد سفیر، جنگ جهانی اول، کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، به پایان رسیدن سلطنت قاجار و شروع سلسله پهلوی. هرکدام از این فرازوفرودهای تاریخی در کوچک‌ترین زوایای نشریات هم تأثیر می‌گذاشتند، از کم و انبوه شدن تعداد روزنامه‌ها، تا نوع کلام و ادبیات آن‌ها.

در کتاب حاضر سعی بر آن است تا ابتدا شرح جامعی از نشریات کرمان، منتشره در بازه زمانی ۱۳۲۰-۱۲۸۵ ه.ش. ارائه دهیم. با جایی که منابع اجازه می‌دهند در باب اصحاب جراید و روزنامه‌نگاران صحبت کنیم. پس وضعیت مطبوعات کرمان را از لحاظ تأثیر و تأثر تاریخی در این دوره پرستودید. بحث بگذاریم و آنچه در این مدت بر جراید کرمان گذشته ترسیم کنیم.

در زمینه پژوهش‌های محلی، به‌ویژه موضوع مطبوعات ما دچار فقر اطلاعاتی می‌باشیم، در باب مطبوعات کرمان ما هیچ پژوهشی نداریم که حداقل در

ده سال گذشته انجام شده باشد. کتاب تاریخ مطبوعات کرمان، از معدود پژوهش‌های مرتبط با این موضوع است، توسط اسماعیل رزم آسا نوشته شده است و در سال ۱۳۶۷ ه.ش توسط انتشارات زوار به چاپ رسید. رزم آسا در مشهد متولد شد. در سال ۱۳۳۱ ه.ش نویسندگی را آغاز کرد و در ۱۳۳۶ ه.ش به عنوان خبرنگار رادیو مشهد، مسئول به کار شد. وی به مدت سه سال از ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ ه.ش سمت معاونت اداره ابلاغ و اداری کرمان را عهده دار بود و در طول خدمت خود، علاوه بر انتشار مقالاتی در روزنامه «اندیشه کرمان» با نام مستعار «ابن عیار» در حوزه مطبوعات کرمان نیز به تحقیق پرداخت. در این کتاب که دو مقدمه توسط جناب استاد دکتر باستانی پاریزی و دکتر محمد اسماعیل رضوانی بر آن نوشته شده است، محقق به معرفی روزنامه‌های کرمان پرداخته و بهل‌وسه عنوان را تا سال ۱۳۶۷ ه.ش نام برده است.

لازم به ذکر است که این کتاب، از جهت معرفی عنوان روزنامه‌های کرمان، جامعیت ندارد و از طرف دیگر، آن پژوهندگانی که در زمینه تاریخ مطبوعات فعالیت کرده‌اند، اکثراً از طیف روزنامه‌نگاران و فعالان عرصه ارتباطات بوده‌اند و بیشتر هدفشان جمع‌آوری و معرفی نشریات از زمان انتشار روزنامه در ایران بوده است و کمتر به تحلیل تاریخی آن‌ها توجه داشته‌اند. که البته حوزه کاری آن‌ها هم

لزام چنین تحلیلی را ایجاب نمی‌کرده است. لذا از جهت تاریخی لازم است، این منابع مهم دوران معاصر به‌دقت و با موازین و الزامات تاریخی موردبررسی قرار گیرد. چه در میان این اوراق خاک خورده تصویری حاکی از آن روزگار نقش بسته که با رویکردی تاریخی می‌توان زنگار از این آینه تمام نمای اجتماع آن روز را زدود. از این کتاب مقالاتی چند، توسط جناب آقای استاد دکتر باستانی پاریزی که خود ایشان سال ۱۳۳۳ ه.ش روزنامه «فرهنگ» و به سال ۱۳۳۶ ه.ش روزنامه «هفتاد» را تأسیس کردند، در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسیده است. از آن جمله است مقاله «حرا، کرمان، و کرمانیان جریده نگار» که به سال ۱۳۳۳ ه.ش در روزنامه «فرهنگ» به چاپ رسیده است.

ازجمله کتب مهمی که در رابطه مطبوعات نوشته شده است، آثار فرید قاسمی است. «مطبوعات ایران در قرن بیستم» تاریخ شفاهی مطبوعات ایران^۴، «تاریخ روزنامه‌نگاری ایران (مجموعه مقالات)» و... و... در کتاب اخیر به نخستین‌های مطبوعات ایران پرداخته، چون نخستین زن روزنامه‌نگار، نخستین مطبوعات کودکان، نخستین مطبوعات سینما، نخستین مجله ایران و... همچنین ۳۰ روزنامه مهم را نیز بررسی کرده است. در کتاب «مطبوعات ایران در قرن بیستم» قاسمی یک بیان کلی از روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران با رعایت ترتیب تاریخی

و اوضاع مطبوعات در دوره‌های تاریخی ارائه داده است. از دیگر کتاب‌های ارزنده مطبوعات ایران "تاریخ جراید و مجلات ایران" است که توسط محمد صدرهایمی نوشته شده است. از پیدایش روزنامه و چاپ در ایران و روزنامه‌های چاپ شده در خارج از ایران آغاز کرده، روزنامه‌های دوران ناصری و مظفری را مورد بررسی قرار داده و سپس قسمت اعظم کار او شروع می‌شود که معرفی روزنامه‌های ایران است و روزنامه‌های شهرستان‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. البته کار او تمامی روزنامه‌ها را پوشش نمی‌دهد اما بر او به کیفیتی است که مهر و موم‌ها به عنوان مرجع پژوهندگان این حوزه معرفی می‌شود.

ناصرالدین پروین کتابی دارد با عنوان "تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان" در دو جلد، کتاب بسیار ارزشمندی است ولی در باب مطبوعات محلی، البته جز توضیحاتی درباره مطبوعات اصلی و تبریز، اطلاعات کمی در اختیار خواننده قرار می‌دهد. ایشان موضوعاتی چون عنصر رقابت در جامعه ایرانی، چاپ فارسی در هند و بعد در مصر، قفقاز، افغانستان و فرانسه زمینه‌های روزنامه‌نگاری در ایران پرداخته است. پروین روزنامه‌نگاری در ایران را از سال ۱۲۸۷ تا ۱۳۱۳ ه.ق از لحاظ تاریخچه، ویژگی‌ها فنی واداری و محتوا مورد بررسی قرار داده است. که از جهت توجه به محتوا، با دیگر آثار در این زمینه تفاوت دارد.

نکته حائز اهمیت درباره منابع این کتاب این است که روزنامه‌ها اعم منابع ما را تشکیل می‌دهند که در جریان تحقیق به آن‌ها خواهیم پرداخت. اما از کتب تاریخی دوره مورد بحث چند اثر مورداستفاده قرار می‌گیرند از جمله کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» اثر ارزنده ناظم الاسلام کرمانی، که رویدادهای تاریخی مشروطیت را شرح می‌دهد. هرچند بازه زمانی این پژوهش پس از مشروطه است اما از جهت درک پیشین از اساماع کرمان و اسامی و شخصیت‌های مؤثر کرمانی مفید بوده است. از دیگر منابع تاریخی کتاب احمدعلی وزیری کرمانی «تاریخ کرمان (سالاری)» است، اواخر قاجاریه در این کتاب به‌زعم جناب استاد باستانی پاریزی به قلم وزیری نگاشته نشده است و اسامی حاکمان کرمان تا قاجاریه را خود استاد اضافه نموده‌اند. از این منبع در ذکر وقایع تاریخی کرمان در دوران مشروطه تا جنگ جهانی نخست استفاده شده است. در سراسر پژوهش تلاش شده تا اطلاعات را با استفاده از اسناد، متن‌سازیم. به این جهت از کتب مجموعه اسناد، مانند اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۸۶ ه.ش) به کوشش کاوه بیات و «اسنادی از مصبوعات و حزب دوره رضاشاه» تدوین معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور و یا «کتاب آبی، مجموعه اسناد بریتانیا در وزارت خارجه» استفاده شده است. در این آثار آنچه توجه را به خود جلب می‌نماید، تمرکز اسناد بر مطبوعات تهران و در

برخی موارد تبریز، اصفهان، گیلان و مشهد است. که البته این در حاشیه قرار گرفتن مطبوعات کرمان ناشی از دور بودن این نشریات از جنجال و هیاهوی جراید مرکز است. حضور انگلیس در آب‌های خلیج فارس سبب شده بود مناطقی همچون کرمان برای ایشان اهمیت بیشتری پیدا کند. از این رو این مجموعه با اطلاعات بیشتری که در اختیار خواننده قرار می‌دهد، تصویر به نسبت روشنی از آن دوران نقش می‌کند.

تعیین واژه‌ها:

چاپ^۱ یعنی: روش چاپ روزنامه/ نشریه با استفاده از ژلاتین و محلول‌های ویژه برای کثیر بسته دستی، اواخر دوره استبداد با برپایی جنبش مشروطیت از این رو در جهت نهه شدن^۲ و اوراق تبلیغ سیاسی استفاده می‌شد.^۱ معادل اصطلاح چاپ ژلاتین در منابع اروپایی نیست و ادوارد بروان همین اصطلاح را به کار برده است.^۲

چاپ سنگی: یا لیتوگرافی، پوشاندن صفحه سنگی با لایه‌ای از مواد مخصوص و حک کردن حروف بر آن است و برای عمق بیشتر حکتی‌ها از اسید

^۱ - همان، ۵۶.

^۲ - پروین ناصرائدین، تاریخ روزنامه نویسی ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷، ۱۳.

استفاده می‌کردند، بعدها سنگ جای صفحه مسی را گرفت.^۱ برای چاپ سنگی دو راه بود، یکی نوشتن مستقیم بر روی سنگ به صورت برگردان و دیگر، نوشتن بر روی کاغذ آهاری یعنی آغشته به نشاسته با مرکب و چسباندن آن از سمت نوشتاری بر روی سنگ.^۲

رسانه: به عنوان معادل media در زبان فارسی «رسانه» ذکر می‌شود، که در علوم اجتماعی «ارتباط جمعی» پیوند می‌خورد، که معادل انگلیسی آن mass media است. در مجامع سایل غیرشخصی اطلاق می‌شود، که انتقال پیام سمعی، بصری و یا هر دو را به وسیله‌ای دورتر موجب می‌شوند. برخی فقط وسایلی را ارتباط جمعی به حساب می‌آورند که مابین پیدایی ارتباط غیرشخصی می‌شود، مثل رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه، کتاب و...^۳ همین از رسانه به عنوان اصطلاحی کلی برای اشاره به دستگاه‌ها یا دستگاه‌های انتقال اطلاعات یا سرگرمی یاد می‌شود.^۴ دستگاه‌های همه‌جاگیر، مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه و... را غالباً با نام رسانه‌ها همگانی، مشخص می‌کنند. این‌ها برخلاف رسانه‌های دیگر، به واسطه محیط

^۱ - برزن، مسعود، فرهنگ اصطلاحات روزنامه نگاری، تهران، ۱۳۵۶، ص ۱۰۱.

^۲ - پروین، ناصراندین، پیشین، ص ۲۲.

^۳ - ساروخانی، باقر، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۲۹.

^۴ - سعیدیان، عبدالحسین، دایرةالمعارف بزرگ توج، انتشارات علم و زندگی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۳۴۹۵.

انسان را در جامعه توده‌ای تشکیل می‌دهند و بدون تلاش آگاهانه و مداوم نمی‌توان از وجودشان چشم پوشید.^۱

روزنامه: نشریه‌ای که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی، فنی و ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح‌اندیشی در امور عمومی به‌طور منظم و در سعت بین‌المللی و نشر گردد.^۲

روزنامه: هر روزنامه‌ای را گویند که خارج از پایتخت تهیه شود. قاعدتاً بیشتر خبرها و مندرجات آن باید مربوط به محل نشر باشد. تا دهه ۱۳۱۰ ه. ش روزنامه‌های محلی عنوانی و محلی از عراب داشتند اما با توسعه عوامل توزیع و زود رسیدن مطبوعات پایتخت به شهرستانها، از اهمیت آن‌ها کاسته شد.^۳

مطبوعه: چاپخانه، که برسم الخط معمولاً اغلب مطبوعات قدیم فارسی در هند استفاده می‌شد.^۴

۱- فرهنگ اندیشه نو، وزارت فرهنگ و تفریح، انتشارات ماز، تهران، ۱۳۶۹، ص ۴۰.

۲- برزین، مسعود، فرهنگ اصطلاحات و روزنامه نگاری، پیشین، ص ۸۱.

۳- همان، ص ۸۲.

۴- همان، ص ۱۴۰، ۱۵۵.